

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۸

## "صد بار اگر توبه شکستی باز آ"

دوشنبه- ۲۳ میزان ۱۳۹۷- کابل: عنوان مطلب امروز، آخرین مصرع از رباعی "ابوسعید ابوالخیر" شاعر و عارف نامدار قرن چهارم و پنجم حوزه مدنیت زبان فارسی/دری است. این رباعی چنین است:

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ

این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آ

علت انتخاب این رباعی برای تبصره امروز:

تا جایی که عمرم اجازه می دهد که مقطع زمانی حیاتم را بازنگری و در مورد اتفاقات، عکس العمل ها و مسؤلیت پذیری های احزاب، سازمانها و افراد قضاوت نمایم، فکر می کنم برخورد های روانی و اجتماعی آحاد جامعه ما اعم از چپ و راست در جریان عمل و حین قبول مسؤلیت مطلقاً تحت تأثیر بینش و طرز تفکر "ابوسعید ابوالخیر" قرار داشته، هیچ یک از آنها قادر نبوده و نیستند که تا اکنون خود را از بند این حکم عارفانه که در کل مناسبات بین خدا و بنده را بازتاب می دهد، بیرون نمایند.

یعنی چه از پهلوی چپ برخاسته باشد و چه هم از پهلوی راست، در برخورد به اشتباهات، کمبودها، جنایات و حتا خیانت ها خود را در موقعیت بنده ضعیفی قرار داده، طرف مقابل را که عمدتاً خدای غفور و رحیمی می پندارد که باید از خطاها، گناهان و خیانت هایشان گذشته درب خود را هیچ گاهی بر روی این مشت متقلب و دروغگو، که هدف شان از توبه و انتقاد از خود، فقط خود را از مخمصه نجات دادن حتا به قیمت دروغهای مجدد و خر ساختن طرف می باشد، نبندد. این همان بینش و طرز تفکر است که "ابوسعید ابوالخیر" از زبان خدایش می گوید و یا حد اقل انتظار آن را دارد. به نظر من تفاوت اصولی که بین توبه ریائی با توبه صادقانه و انتقاد از خود فریبکارانه، با یک انتقاد از خود صادقانه و انقلابی وجود دارد، گذشته از هدف توبه و انتقاد از خود، معیار صحت و سقم آن می تواند عمل انسان باشد. یعنی آنی که توبه می کند و یا از خود انتقاد می نماید، هدفش باید بریدن از آن کردار باشد نه فریب و خر ساختن طرف و یا طرفهای مقابل؛ همچنین از آنچه توبه نموده و یا از خود انتقاد نموده، باید در طول حیاتش دیگر به گرد آن حرکت نگردد، یعنی در عمل ثابت نماید که توبه و یا انتقاد از خودش صادقانه و به غرض تغییر منش و کردار خودش بوده است. چیزی که با کمال تأسف در جامعه ما به ندرت می توان سراغ آن را گرفت:

مثلاً:

داعیان "اسلام سیاسی" که در کشور ما به نام "اخوان" معروف هستند، حد اقل در جریان همین ۴ دهه اخیر اگر بنویسم بیشتر از صد بار در جای های مختلف، روزی در مکه، زمانی در مدینه، وقتی در اسلام آباد و ... سوگند خورده اند که دیگر از پی نفاق، شقاق و برادر کشی نروند، آنهایی که حد اقل وجدان انسانی در وجود شان باقیمانده بود، از مردم به نسبت گذشته معذرت هم خواسته اند، البته افراد بی وجدانی چون "گلبدین" که خود را همیشه حق مطلق می پندارد، از این قاعده مستثنا است؛ مگر به محض این که باز هم امکان برای شان میسر شده، شمشیر از نیام کشیده، جنایاتشان را فزونتر ساخته اند.

به همین سان می توان از "شبه چپ" ها که خود را "چپ" معرفی می دارند نیز یاد کرد.

اینها که تا هنوز از بینش ایدئالیستی خود نبریده اند و برداشت شان از توده های میلیونی افغانستان همان برداشت نیست که "ابوسعید ابوالخیر" از خدای خود دارد، در هر پیچ تاریخی جدید، آشکارا در کنار امپریالیسم و ارتجاع قرار می گیرند، یکی سر از گریبان روس و نجیب بیرون می کند و آن دیگری به ساز "خلیلزاد" خوشرقصی نموده، مجموع جنبش را به دنبال خود به آستانبوسی "خلیلزاد" و "کرزی" می برد و وقتی که پیچ دیگر رسید، چسنامه ای را به انتقاد از خود منتشر می سازد و کسی هم نیست از آنها بپرسد که اگر اشتباهت از روی نادانی بوده، گوه خوردی که با نادانی ردای رهبریت بر تنت افگندی و اگر نادانی نبوده و آگاهانه به چنین خیانتی دست زده ای باید حداقل به مثابه نتیجه گیری سیاسی، از مقام میراثی ات استعفاء داده خود را برای محاکمه توده ئی آماده بسازی.

هموطنان گرامی!

امروز با خود و نسل خود و آنهایی که هنوز هم با تمام اشتباهات مکرر خود را رهبر و پیشوا می پندارند، تماس گرفتم. دلیل آن هم روشن روشن است، تا زمانی که جنبش انقلابی افغانستان قادر نگردد، این چپ نما ها و شبه چپ را افشاء و از پیش پای خود نرو بند، هیچ گاهی بار ما به منزل نخواهد رسید.

**کلاشان شبه چپ را افشاء کنید!!**